

گزارش سمینار ایران و جهان عرب

چالش‌های احتمالی و ظرفیت‌های همکاری

سمینار دو روزه مذکور با همکاری مؤسسه آلمانی فریدریک ایبرت وابسته به حزب سوسیال دمکرات آلمان و اتحادیه عرب در تاریخ ۱۷ و ۱۸ نوامبر ۲۰۰۸ (۲۷ و ۲۸ آبان‌ماه ۸۷) در قاهره برگزار شد. این نشست در چارچوب یادداشت تفاهم همکاری‌های مطالعاتی دو جانبه میان اتحادیه عرب و مؤسسه آلمانی ایبرت در قالب گفتگوهای تمدنی انجام شد.

- در خصوص مسأله جزایر سه‌گانه پیشنهاد مشخص ما حل مسالمت‌آمیز مسأله از طریق گفتگوی مستقیم و یا احاله آن به دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد.

- هر چند ما از نیات واقعی ایران در مسأله هسته‌ای خبر نداریم، اما از یک طرف شاهد تجربه اتهامات بی‌اساس به عراق در مسأله هسته‌ای و تحمیل جنگی ویرانگر به منطقه به خاطر همین اتهامات بی‌اساس بوده‌ایم و از طرف دیگر شاهد برخورد دوگانه در مسأله هسته‌ای خاورمیانه و برخورداری اسرائیل از سلاح هسته‌ای هستیم.

- خطر اصلی در منطقه اسرائیل است که به معاهدات ان‌پی‌تی نپیوسته و به داشتن سلاح هسته‌ای معترف است.

- روابط میان کشورهای منطقه افت و خیزهای طبیعی دارد، چنانکه روابط میان اعراب نیز شاهد بالا و پایین شدن بوده است.

روز دوم سمینار با میزگرد "سیاست‌های آمریکا و واگرایی‌های روابط ایرانی-عربی" به ریاست محمد

سمینار با سخنرانی رئیس دفتر مؤسسه مذکور در قاهره و موفق نصار یکی از معاونان دبیر کل اتحادیه عرب آغاز به کار کرد. در ادامه سه جلسه اصلی با عناوین "روابط سیاسی ایرانی-عربی" با حضور مصطفی اللباد (کارشناس مسائل ایران در مصر)، دکتر رایسنر و دکتر محمد ادريس (رئیس مرکز مطالعات خلیج فارس در مؤسسه الاهرام)؛ "روابط ایرانی-عربی و امنیت خلیج(فارس) با مشارکت وائل الاسد از اتحادیه عرب، عبدالعزیز صقر (محقق سعودی) و محمد قدری سعید (محقق مصری)؛ و "عراق و تأثیرات آن بر روابط ایرانی-عربی" با سخنرانی عبدالله الاشعل و محمد سعید عبدالمؤمن (مصر) و سعید الموسوی (سفیر رژیم صدام در سازمان ملل) برگزار گردید.

مهمترین اظهارات موفق نصار در جلسه افتتاحیه عبارت بود از:

- پارلمان عربی انتقالی نقش مهمی در گفتگوی عربی-ایرانی در چارچوب اتحادیه برعهده گرفته است.

ابراهیم شاکر(معاون شورای روابط خارجی مصر و متخصص امور خلع سلاح) و با مشارکت خانم دکتر باکینام شرقاوی (استاد مسائل ایران در دانشگاه قاهره) و دکتر فؤاد شهاب (رئیس بخش علوم اجتماعی دانشگاه بحرین) آغاز به کار کرد. خانم شرقاوی اظهار داشت: در پرتو تحول ایجاد شده در آمریکا به خاطر پیروزی اواما ما شاهد نوعی آرامش نسبی در روابط ایران و آمریکا خواهیم بود، اما آرامش مزبور به خاطر اختلافات مبنایی و ریشه‌ای میان دو کشور الزاماً به معنای تحول مهم در روابط مزبور نخواهد بود. آمریکا در عصر اواما همچنان اتهامات قدیمی مانند حمایت ایران از تروریسم را تکرار خواهد کرد.

وی افزود به‌رغم تمایلات روسیه، چین و اروپا به ایجاد و برقراری نوعی آرامش در محور روابط ایران- آمریکا، لابی اسرائیل همچنان برای تداوم تشدید مواضع جهانی علیه ایران فعالیت خواهد کرد، اگرچه بعید است لابی اسرائیل علیه ایران در دوران اواما زیاد مؤثر باشد؛ ولی خطر اسرائیل در اقدام نظامی یک جانبه علیه ایران به منظور بی نتیجه کردن هر گونه آرامش در روابط ایران و آمریکا همچنان محتمل است. به احتمال زیاد برنامه سرنگونی نظام سیاسی ایران بتدریج در نظام تصمیم‌گیری آمریکا رنگ خواهد باخت، هرچند مسأله تحریک اقلیت‌های قومی در ایران به عنوان مهمترین نقطه آسیب‌پذیری بیش از گذشته مورد توجه تصمیم‌گیران آمریکائی در عصر اواما خواهد بود.

وی همچنین اظهار داشت: اواما احتمالاً جدی‌تر از گذشته به خاطر مسائل حقوق بشری فشارهای بیشتری بر نظام‌های عربی منطقه وارد آورده و انتظار می‌رود طرح خاورمیانه جدید همچنان در دستور کار او قرار گیرد. هرچند اعراب به صورت یک صدا مخالف اقدام نظامی آمریکا

علیه ایران هستند، اما بیشتر اعراب به طور جدی به دنبال پیداکردن راهی به منظور ممانعت از نفوذ ایران در منطقه می‌باشند. نگرانی‌های اعراب و اسرائیل از معاملات و زدوبندهای پنهان و آشکار ایران و آمریکا بسیار جدی است.

به نظر وی محور و مرکز اصلی مشکلات خاورمیانه منازعات ایرانی- اسرائیلی می‌باشد و منازعه ایرانی- عربی و یا ایرانی- آمریکایی چندان مطرح نمی‌باشد. به عبارت بهتر اهمیت منازعه ایرانی- اسرائیلی به مراتب بیشتر از منازعه عربی- اسرائیلی است.

وی در پایان پیش‌بینی کرد به تدریج تأثیرات لابی صهیونیست در تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا ضعیف شده و تمرکز اواما بر یافتن راهی برای حل منازعات عربی- اسرائیلی خواهد بود.

دکتر فؤاد نیز با اشاره به اهمیت تاریخ و با یادآوری برخی مسائل در زمان شاه ایران در خصوص کاربرد اصطلاح خلیج عربی از طرف اعراب و همچنین با ذکر برخی مثال‌های تاریخی در توجیه تمایل اعراب به کاربرد این اصطلاح گفت: * اعراب بر این باورند هر قدرت استعماری که از قرن شانزدهم تا کنون وارد این منطقه شده است علناً سیاست جدا کردن خلیج فارس از دیگر مناطق عربی به طور مثال در شاخ آفریقا را دنبال کرده است، زیرا هدف نیروهای استعماری جدا کردن اعراب از یکدیگر برای سیطره بر آنها در نقاط مختلف خاورمیانه بوده است. بنابراین تمایل اعراب به کاربرد اصطلاح خلیج عربی تأکید بر وحدت سرزمین اعراب حداقل به صورتی نمادین و تأکید بر اهمیت استراتژیک این خلیج می‌باشد. علاوه بر پیوستگی ژئوپولیتیکی این خلیج به دیگر مناطق

* نقل قول از دکتر فؤاد صرفاً به جهت اطلاع خوانندگان از مفاد حرف‌های ایشان و نشان‌دادن بی‌پایگی استدلال وی است.

استراتژیک اعراب به طور مثال در باب المندب، دریای عرب، کانال سوئز و یا شاخ افریقا، اعراب نگران هستند که حذف "عربی" از خلیج باعث جدائی سرزمین‌های عربی از یکدیگر شود. اعراب معتقدند نیروهای استعماری بهترین روش تسلط بر خاورمیانه و خلیج فارس را کوبیدن طبل اختلافات ایرانی - عربی و شیعه - سنی دانسته و عملاً آن را اعمال کرده‌اند.

وی اضافه کرد نیروهای استعماری قبل از بریتانیا و آمریکا نیز به دنبال تسلط بر خلیج فارس برای اهداف تجاری و ژئوپولیتیک بودند، اما آمریکا و انگلیس علاوه بر آن خواهان تسلط بر خلیج فارس برای انرژی و تأمین امنیت و بقای اسرائیل هستند. یعنی دقیقاً همان دو هدفی که شاه ایران آن را تأمین کرد و به همان دلیل نیز ژاندارم منطقه شد. شاه ایران هدف دیگر آمریکا، اسرائیل و انگلیس یعنی منازعه بر سر اسم خلیج را هم تأمین نمود. متأسفانه بعد از انقلاب، ایران در منطقه خلیج فارس همان روش را ادامه داده است.

وی در ادامه گفت: من شخصاً فکر می‌کنم آمریکا هیچ‌گاه به دنبال براندازی نظام ایران نبوده و نخواهد بود. ایران باید توجه داشته باشد که نتیجه بی‌ثباتی کمک به سیاست‌های تجزیه طلبانه استعمار در منطقه است که نهایتاً ممکن است دامن خودش را هم بگیرد.

دومین میز گرد روز دوم با عنوان "چشم‌انداز آتی روابط ایرانی-عربی" با ریاست دکتر عبدالحلیم (کارشناس مسائل استراتژیک و نماینده مجلس سنای مصر) و با مشارکت محمد عبدالسلام (کارشناس مسائل ایران در مصر) و احمد حجج (سفیر مصر در کشورهای آفریقایی و معاون سابق دبیر کل اتحادیه آفریقا) برگزار شد.

دکتر عبدالحلیم در طول جلسه همواره ضمن موضع‌گیری شدید علیه سعودی و جانبداری از ایران به

دنبال پایه‌گذاری ائتلاف منطقه‌ای میان ایران، ترکیه و مصر به عنوان سه قدرت بزرگ در منطقه بود. وی حتی بر وجوب دستیابی ایران به بمب اتمی به عنوان عامل بازدارندگی در مقابل توانمندی هسته‌ای اسرائیل تأکید داشت و نمونه‌های بازدارندگی قدرت‌های هسته‌ای در دوران جنگ سرد را به عنوان شاهد مثال مطرح کرد.

احمد حجج نیز اجمالاً راجع به روابط ایرانی-عربی صحبت کرده و سعی در ارائه چارچوبی سازنده برای آینده روابط داشت. وی ضمن صحبت‌هایش ابراز داشت ما چه بخواهیم چه نخواهیم با ایران هسته‌ای مواجه خواهیم شد و البته چنین رویدادی به نفع توازن قوا در منطقه خواهد بود.

محمد عبدالسلام نیز مطالبی ارائه نمود که اهم آنها عبارتند از:

- روابط ایرانی-عربی مملو از سوء تفاهمات متقابل می‌باشد که اختلاف منافع ژئوپولیتیک و برداشت‌های متفاوت و گاه متعارض تاریخی و تربیتی مهمترین دلایل آن بوده است.

- اختلافات ایرانی-عربی ناشی از اختلاف در منافع بوده و عواملی مانند نقش قدرت‌های خارجی عوامل ثانوی محسوب می‌شوند.

- در کوتاه مدت نباید شاهد گشایش مهمی در روابط ایرانی-عربی باشیم، بلکه بر عکس احتمال افزایش تنش تا سه سال آینده بیشتر می‌باشد.

- متأسفانه سوء تفاهمات و اختلافات ایرانی-عربی از سطوح رسمی و دولتی به سطوح مردمی و غیر رسمی به طور مثال فیلم کشیده شده است.

- تنظیم سناریوی اصلی روابط ایرانی-عربی بیشتر در اختیار ایران است.

- ایران دوست اعراب نیست اما نباید او را تبدیل به دشمن اعراب کرد.

- ایران تا کنون اقدام واقعی برای برقراری گفتگو با اعراب در موضوعاتی مانند ترتیبات منطقه‌ای و یا مسأله هسته‌ای صورت نداده است بلکه از آنها به عنوان کارت بازی استفاده کرده و گاهی نیز با معارضین و نیروهای غیر رسمی در جهان عرب همکاری کرده است.

- بهبود روابط ایرانی-عربی تابع شرایط داخلی در ایران است.

- لازم است اعراب به صورت موردی و محدود در بهبود نحوه رفتار و سلوک ایران در مواردی خاص کمک کنند.

- الگوی لبنان و دستیابی به توافق دسته جمعی با کمک ایران بهترین مثال است.

سومین و آخرین جلسه کاری روز دوم به ریاست محبوب زویری (کارشناس مسائل ایران در دانشگاه اردن) و با مشارکت خانم دکتر امیره الشناوی (مشاور رئیس مجلس مصر) و پرفسور اودواشتاین باخ از آلمان برگزار شد.

خانم امیره تنها به ارائه و تکرار برخی داده‌های رسانه‌ای در خصوص منازعه اخیر گرجستان و روسیه و روابط گرجستان و اسرائیل اکتفا نمود. وی با اشاره به برخورداری رئیس جمهور و وزیر دفاع گرجستان از تابعیت اسرائیلی و حضور نظامیان و افراد امنیتی اسرائیل در گرجستان و نقش ویژه آنها در ارائه راهنمایی غلط به ساکاشویلی و فرماندهان ارشد نظامی گرجستان در حمله به منطقه اوستیا برخی نکات را هم اضافه کرد که اهم آنها عبارتند از:

- اهمیت گرجستان برای اسرائیل علاوه بر بهره‌برداری از آن به عنوان اهرم فشار علیه روسیه در صورت همکاری نظامی و امنیتی روسیه با ایران و سوریه بیشتر به خاطر

خط انتقال گاز B.T.C است، زیرا خط مزبور از مهمترین منابع تأمین انرژی برای اسرائیل است که از گرجستان و آذربایجان می‌گذرد.

- توقف صدور تسلیحات نظامی اسرائیل به گرجستان به دستور آمریکا انجام گرفت. اگرچه گرجی‌ها به خاطر عدم همکاری مؤثر اسرائیل در سخت‌ترین شرایط بحرانی اخیر از اسرائیلی‌ها ناراضی هستند.

- جنگ سرد جدید بین آمریکا و روسیه شروع شده است. مسائل کوزوو و قفقاز نقاط عطف شروع و شکل‌گیری جنگ سرد نوین است.

سخنرانی اشتاین باخ در این جلسه در واقع تبیین فلسفه اصلی برگزاری این کنفرانس بود. وی در سخنرانی خود گفت: با توجه به بروز برخی مشکلات احتمالی در آینده در تعاملات میان اروپا و روسیه و در واقع شروع عملی دوره جنگ سرد نوین میان روسیه و غرب در هرحال گزینه تأمین انرژی اروپا از خاورمیانه در کنار گاز روسیه برای ما اروپاییان بسیار مهم است. در همین راستا امنیت و ثبات در خاورمیانه، امنیت در منطقه خلیج فارس، امنیت شبه جزیره عربستان، امنیت عراق، امنیت جنوب قفقاز و ترکیه به عنوان مهمترین منابع و مسیرهای تأمین و انتقال انرژی و گاز به اروپا و اجرای قرارداد نابوکو برای ما بسیار مهم هستند. به تعبیر ما آینده روابط ایرانی-عربی مهمترین کلید رمز تأمین ثبات در منطقه خواهد بود. در این راستا حتی روابط دوجانبه ایران و مصر هم برای ما مهم است، چون عمده کشورهای خاورمیانه از جمله ایران و مصر از اهمیت زیادی در طرح نابوکو برخوردارند. اهمیت و ظرفیت‌های ایران نه توسط اعراب و نه کشورهای دیگر قابل چشم‌پوشی نیست. حضور ایران در کنار اعراب در طرح نابوکو برای اروپاییان مهم است. منابع گازی ایران و اقتصادی بودن مسیر انتقال انرژی از ایران

برای اروپا همچنان مهم است. خط انتقال نفت باکو-جیحان برای تأمین انرژی اروپا کافی نخواهد بود و اروپا چاره‌ای جز استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات ایران و عراق در تأمین انرژی خود ندارد. در نتیجه ثبات عراق، ثبات آسیای مرکزی و جنوب قفقاز برای امنیت انرژی در اروپا بسیار مهم است و ناگفته پیداست که ایران در تمامی مناطق نقش کلیدی دارد. دوران یکه تازی آمریکا به عنوان سرکرده نظام تک قطبی به سر رسیده است. از قدرت جهانی آمریکا کاسته شده است. البته آمریکا همچنان قدرت برتر در صحنه بین‌الملل خواهد بود. لکن قدرت‌های دیگری مانند اروپا و روسیه در کنار آمریکا فعال و مؤثر خواهند بود. دوران نظام تک قطبی دیگر تمام شده است. جنگ گرجستان باعث شد تا اروپا به فکر استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای ایران افتاده و این کشور را برای مشارکت در تأمین انرژی ترغیب نماید و این موضوع در آینده مسأله مهمی در مذاکرات و تماس‌های اروپا با ایران خواهد بود. جنگ گرجستان اروپا را نسبت به طرح نابوکو هشیار نمود. پس از جنگ گرجستان تعریف امنیت در خلیج فارس برای اروپا تغییر کرده است. ما مایلیم منازعه ایرانی-عربی جای خود را به گفتگو و تفاهم ایرانی-عربی بدهد. اکنون روابط دو جانبه ایران و روسیه برای اروپا مهمتر از گذشته شده است. اروپا در حال حاضر به تدریج به سمت کاهش تنش با ایران در مسأله هسته‌ای گرایش پیدا می‌کند.

در نشست پایانی کنفرانس هشام یوسف معاون دبیر کل اتحادیه عرب مطالبی ارائه نمود که اهم آنها عبارتند از:

- ایران کشور همسایه و تأثیرگذاری در منطقه است که امکان چشم‌پوشی از آن وجود ندارد.

- جزایر سه‌گانه، عراق، لبنان و منازعه عربی-اسرائیلی مهمترین موارد سوءتفاهم اعراب نسبت به ایران هستند. - مشکل اصلی در گفتگوی ایرانی-عربی فقدان سازوکار و راهکار گفتگو با ایران در خصوص موارد سوءتفاهم است. هر چند در خصوص مسائل عراق فعلاً در قالب فرآیند همسایگان عراق راهکار و سازوکاری برای تماس و تبادل نظر با ایران فراهم شده است.

- مسأله هسته‌ای ایران یک منبع تهدید علیه کشورهای عربی همجوار با ایران تلقی می‌شود. به طور مشخص کشورهای عربی خلیج فارس نسبت به برنامه هسته‌ای ایران نگرانی‌های ملموس و مشخصی دارند.

- اگرچه بر حق ایران در برخورداری از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز تأکید می‌شود چنانکه هر کشوری از این حق برخوردار است، اما منطقه نمی‌تواند شاهد ظهور قدرت هسته‌ای جدیدی باشد و منطقه خاورمیانه تحمل پذیرش عضو جدید هسته‌ای را نخواهد داشت.

- ایده خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی و خاصه سلاح هسته‌ای خواست اصلی تمام کشورهای عربی است. - لازم است کشورهای عربی منطقه و خاصه اعضای شورای همکاری خلیج فارس به فرآیند ۵+۱ در مسأله هسته‌ای ایران بپیوندند.

- همان‌طور که در جلسه افتتاحیه گفته شد این نشست دو روزه آغاز روندی جدید در گفتگوهای ایرانی-عربی خواهد بود که امیدواریم تداوم داشته باشد.

- ما در اتحادیه عرب بار دیگر بر اهمیت گفتگوهای ایرانی-عربی تأکید می‌کنیم.

در خاتمه بعضی از حاضران نظریاتی ابراز داشته و بخشی نیز به پرسش و پاسخ اختصاص داده شد. محسن خلیل یکی از عناصر نظام بعثی عراق ساکن قاهره اظهار داشت: لازم است ایران به منافع امت عربی احترام گذارده

و دست از دخالت‌های خود بردارد. اعراب تاکنون کمتر متوجه تهدیدات واقعی ایران علیه منافع عربی بوده‌اند. ایران، آمریکا و اسرائیل بر سر تسلط بر منابع و ثروت‌های امت عربی با یکدیگر رقابت می‌کنند و بهترین مثال آن صحنه عراق است. در حال حاضر عراق تبدیل به غنیمت با ارزشی در دست این سه کشور شده است. سیاست‌های شاه ایران با سیاست‌های نظام فعلی تفاوت چندانی نداشته است. تنها تفاوت آن است که ایران بعد از انقلاب اهداف تأسیس امپراطوری فارسی را در قالب ایدئولوژی دنیال می‌کند. در قانون اساسی بعد از انقلاب ایران، صدور انقلاب و صدور مذهب شیعه نهادینه و تصریح شده است. ایران عملاً در پی تشکیل هلال شیعی و مسلح کردن اعراب شیعه و القای این مفهوم به اعراب شیعه است که مرجع اصلی شما ایران می‌باشد. ایران از طریق صدور انقلاب به دنبال جدا کردن امت عربی از یکدیگر است. ایران علاوه بر اشغال جزایر و ... از دیرباز و از زمان شاه در امور داخلی عراق دخالت می‌کرده است. حزب الدعوه و مجلس اعلای انقلاب اسلامی مثال‌های بارز این موضوع هستند.

به دنبال اظهارات وی دبیر دوم نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در قاهره نکاتی را مطرح کرد که اهم آنها عبارتند از:

ما متأسفانه خیلی دیر برای این جلسه دعوت شدیم. ما از دیروز اظهاراتی را شنیدیم که اصلاً به نفع آینده روابط ایرانی-عربی نیست. اظهاراتی که علیه حاکمیت و تمامیت ارضی کشور ما است. باید بگوییم سرنوشت ما مشترک است. ما دارای دشمن مشترکی هستیم. امنیت ایران و عراق به یکدیگر وابسته است. هر خدشه‌ای به امنیت عراق، خدشه به امنیت ایران است و بالعکس. ما و عراقی‌ها تجارب تلخی را طی سال‌های اخیر پشت سر

گذاشته‌ایم، هر دو طرف در طول هشت سال جنگ قربانی‌ها و هزینه‌های زیادی پرداخته‌اند. لازم است از تجارب تلخ گذشته درس بگیریم و چشم به آینده‌ای روشن داشته باشیم. امنیت عراق امنیت ایران است و وحدت و تمامیت ارضی عراق خط قرمز ما است. ما عراقی متحد، منسجم، یک پارچه و قوی می‌خواهیم. دست ما برای همکاری با تمامی فرقه‌ها و گروه‌های عراقی اعم از شیعه، سنی، کرد و مسیحی دراز است. اگر منظورتان نفوذ است؛ بله ما در عراق نفوذ داریم. همان طور که متقابلاً شاهد نفوذ عراق در ایران هستیم. نفوذ با دخالت متفاوت است. گفته شد در قانون اساسی ما صدور انقلاب و صدور مذهب شیعه تصریح شده است، اصلاً چنین موضوعی صحت ندارد. در قانون اساسی ایران به صورت عام بر حمایت از مستضعفین در تمامی دنیا فارغ از نژاد و مذهب و دین تأکید شده است و بر همین اساس بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روابط با اسرائیل و آفریقای جنوبی را قطع کردیم.

ملاحظات:

- مجموعاً ۳۰ نفر شرکت کننده بدون خبرنگاران در جلسه شرکت داشتند.
- از ایران سخنرانی دعوت نشده بود.
- مراکز مطالعاتی عربی شرکت کننده در کنفرانس مرتبط با سرویس‌های امنیتی عربی بودند.
- عده‌ای از شرکت کنندگان به اعراب انتقاد می‌کردند که به جای تعاملات جداگانه با ایران همگی به صورت دسته جمعی با ایران گفتگو کنند.

زهرا طاهری/امین

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی